

The Place of Jihad Tabyeen and Its Methods of Realization in the Islamic Society from the Perspective of Nahj al-Balagha¹

Hossein Deldar Forotaqeh¹  Marzieh Alizadeh Ivary² 

1. Professor at Seminary and University, Level Four of Seminary, PhD student in Specialized Teaching of Ethics, University of Ma'arif, Qom, Iran (Corresponding Author).

Hndldar1386@gmail.com

2. Master's degree in Quranic Exegesis and Sciences

Alizadeh135961@gmail.com



Abstract

Jihad Tabyeen is one of the fundamental concepts in Islam that emphasizes the necessity of enlightenment and presenting the truth in the face of distortions, doubts, and ignorance. This jihad is a duty defined to protect the religious and cultural identity of the Islamic society and to strengthen its intellectual foundations. This article analyzes the principles and methods of Jihad Tabyeen by focusing on Nahj al-Balagha as one of the rich Islamic sources. A study of Nahj al-Balagha reveals that Imam Ali (a) utilized various methods such as logical reasoning, clarifying the truth through sermons and letters, and advising on piety and Islamic ethics to enlighten society. These methods include encouraging reflection and contemplation, countering intellectual and social deviations, and calling for truth and justice. The research findings indicate that Jihad Tabyeen in Islamic society requires an accurate understanding of contemporary

1. Deldar Forotaqeh, H., & Alizadeh Ivary, M. (2021). The status of *Jihad Tabyeen* and its methods of realization in the Islamic society from the perspective of *Nahj al-Balagha*. *Journal of Fiqh and Politics*, 2(4), 77–101. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.70679.1049>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2025/01/01 • **Accepted:** 2025/03/02 • **Published online:** 2025/03/12

issues, the use of modern communication tools, and an emphasis on moral and spiritual teachings. Additionally, following the methods of Imam Ali (a) in Nahj al-Balagha can serve as an effective model for achieving this goal. The most significant research findings highlight that Nahj al-Balagha provides practical approaches for Jihad Tabyeen, such as recognizing and introducing the enemy to the people, enjoining good and forbidding evil through speech, and practicing constructive criticism. The present study has been conducted using a descriptive-analytical method, with a focus on extracting the methods of Jihad Tabyeen based on Nahj al-Balagha.

Keywords

Nahj al-Balagha, Jihad Tabyeen, enemy recognition, enjoining good, criticism.

مكانة جهاد التبیین وأساليب تحقيقه في المجتمع الإسلامي من منظور نهج البلاغة^۱

حسین دلدار فروتنقه^۱ مرضیة علیزاده ایوری^۲

۱. استاذ في الحوزة العلمية والجامعة، حاصل على المستوى الرابع من الحوزة، وطالب الدكتوراه التخصصية في تدريس الأخلاق بجامعة المعارف، قم (الكاتب المسؤول).

Hndldar1386@gmail.com

۲. ماجستير في التفسير وعلوم القرآن.

Alizadeh135961@gmail.com



الملخص

إنَّ جهاد التبیین من أحد المفاهيم الأساسية في الإسلام، حيث يؤكِّد على ضرورة التنوير وتقديم الحقائق في مواجهة التحريفات والشبهات والجهل. يعدُّ هذا الجهاد واجباً لحماية الهوية الدينية والثقافية للمجتمع الإسلامي وتعزيز أسسه الفكرية. في هذه الدراسة مع التركيز على نهج البلاغة كأحد المصادر الإسلامية الغنية سيتمَّ تحليل مبادئ وأساليب جهاد التبیین. تُظهر دراسة نهج البلاغة أنَّ الإمام علي عليه السلام استخدم مجموعة متنوعة من الأساليب للتنوير في المجتمع، منها الاستدلال المنطقي، وتوضيح الحقيقة من خلال الخطب والرسائل، والتوصية بالتقوى والأخلاق الإسلامية. وتشمل هذه الأساليب التشجيع على التفكير والتعقل، ومواجهة الانحرافات الفكرية والاجتماعية، والدعوة إلى الحق والعدل. تُظهر نتائج الدراسة أنَّ جهاد التبیین في المجتمع الإسلامي يتطلب فهماً

۱. استناداً إلى المقالة: دلدار فروتنقه، حسین؛ علیزاده ایوری، مرضیة. (۱۴۰۰). مكانة جهاد التبیین وأساليب تحقيقه في المجتمع الإسلامي من منظور نهج البلاغة، الفقه والسياسة، ۲(۴)، صص ۷۷-۱۰۱. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.70679.1049>

□ التصنيف: علمية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي للحوزة العلمية في قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۰۱/۰۱ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۳/۰۲ • تاريخ النشر الإلكتروني: ۲۰۲۵/۰۳/۱۲

دقيقاً للقضايا المعاصرة، واستخدام وسائل الاتصال الحديثة، والتأكيد على التعاليم الأخلاقية والروحية كما أنّ الاقتداء بأساليب الإمام عليّ⁷ في نهج البلاغة يمكن أن يكون نموذجاً فعالاً لتحقيق هذا الهدف. من أهم النتائج البحثية أنّ كتاب نهج البلاغة يتناول أساليب عملية لجهاد التبیین، مثل: التعرف على العدو وتعريفه للناس، والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر باللسان، ممارسة النقد البناء. وقد تم إنجاز هذا البحث باتباع المنهج الوصفي - التحليلي، مع التركيز على استخراج أساليب جهاد التبیین من نهج البلاغة.

الكلمات المفتاحية

نهج البلاغة، جهاد التبیین، معرفة العدو، الأمر بالمعروف، النقد.

جایگاه جهاد تبیین و روش‌های تحقق آن در جامعه اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه^۱

ID^۲ **مرضیه علیزاده ایوری** ID^۱ **حسین دلداری فروتقه**

۱. استاد حوزه و دانشگاه، سطح چهار حوزه، دانشجوی دکترای تخصصی مدرسی اخلاق، دانشگاه معارف، قم (نویسنده مسئول)

Hndldar1386@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن

Alizadeh135961@gmail.com

چکیده

جهاد تبیین یکی از مفاهیم اساسی در اسلام است که بر ضرورت روشننگری و ارائه حقایق در برابر تحریف‌ها، شبهات، و ناآگاهی‌ها تأکید دارد. این جهاد، وظیفه‌ای است که برای حفاظت از هویت دینی و فرهنگی جامعه اسلامی و تقویت بنیان‌های فکری آن تعریف شده است. در این مقاله با تمرکز بر نهج البلاغه به‌عنوان یکی از منابع غنی اسلامی، به تحلیل اصول و روش‌های جهاد تبیین پرداخته شده است. مطالعه نهج البلاغه نشان می‌دهد که امام علی (علیه السلام) با بهره‌گیری از روش‌های متنوعی مانند استفاده از استدلال منطقی، تبیین حقیقت در قالب خطبه‌ها و نامه‌ها، و توصیه به تقوا و اخلاق اسلامی، به روشننگری در میان جامعه پرداخته‌اند. این روش‌ها شامل تشویق به تفکر و تعقل، مقابله با انحرافات فکری و اجتماعی، و دعوت به حق و عدالت است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جهاد تبیین در جامعه اسلامی نیازمند شناخت دقیق از مسائل روز، استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی، و تأکید بر آموزه‌های اخلاقی و معنوی است.

۱. **استاد به این مقاله:** دلداری فروتقه، حسین؛ علیزاده ایوری، مرضیه. (۱۴۰۰). جایگاه جهاد تبیین و روش‌های تحقق آن در جامعه اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه، فقه و سیاست، ۲(۴)، صص ۷۷-۱۰۱.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.70679.1049>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

همچنین تأسی به روش‌های امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌تواند الگویی مؤثر برای تحقق این هدف باشد. مهم‌ترین یافته‌های پژوهشی این است که در کتاب نهج‌البلاغه به روش‌های کاربردی برای جهاد تبیین مانند دشمن‌شناسی و شناساندن دشمن به مردم، امر به معروف و نهی از منکر زبانی و انتقاد کردن پرداخته شده است. پژوهش پیش رو به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد استخراج روش‌های جهاد تبیین با تأکید بر نهج‌البلاغه به سامان رسیده است.

کلیدواژه‌ها

نهج‌البلاغه، جهاد تبیین، دشمن‌شناسی، امر به معروف، انتقاد.

مقدمه

در عصر حاضر، با گسترش ابزارهای ارتباط جمعی و پیشرفت فناوری اطلاعات، جامعه اسلامی با چالش‌های متعددی از جمله تحریف حقایق، گسترش شبهات، و کاهش آگاهی دینی مواجه است. این شرایط نیازمند تبیین دقیق و شفاف حقایق و اصول دینی به‌عنوان وظیفه‌ای ضروری است. در این راستا، مفهوم «جهاد تبیین» به‌عنوان راهبردی مؤثر برای مقابله با این چالش‌ها مطرح می‌شود.

نهج‌البلاغه، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین منابع اسلامی، حاوی آموزه‌هایی ارزشمند درباره تبیین حقیقت، روش‌های تبلیغ دین، و مواجهه با تحریفات است. سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این کتاب گنجینه‌ای از اصول، روش‌ها، و راهبردهایی است که می‌تواند الهام‌بخش جامعه اسلامی در اجرای جهاد تبیین باشد.

جهاد تبیین یکی از مصادیق جهاد در راه خداست. جهاد تبیین در قرآن و روایات معصومان علیهم السلام جایگاه مهمی دارد. آیاتی که با «قُل» (انعام، ۴۶، ۶۵) و «واذکروا نعمت الله علیکم» (آل عمران، ۱۰۳) آغاز می‌شود، در مقام تبیین مطالب مهم انسان‌شناسی و جهان‌بینی اعتقادی و دینی هستند. تبیین درست وقایع یکی از وظایف انبیای الهی و جانشینان آنان است. کانون جهاد تبیین دانش و فهم آن است (انعام، ۶۵، ۱۰۵). بنابراین جهاد تبیین از منظر قرآن کریم و معصومان به‌خلاف جهاد نظامی نه تنها تلفات جانی ندارد، بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی آرامش روانی جامعه را نیز به همراه دارد، زیرا منجر به افزایش آگاهی مردم می‌شود و با گسترش علم در جامعه و آرامش عمومی نسبت مستقیم دارد. مسئله اصلی مقاله پیش رو این است که جایگاه جهاد تبیین و روش‌های تحقق آن در جامعه اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه چیست. پیشینه بحث از جهاد تبیین را به‌لحاظ موضوعی در سیره و کلام همه انبیای الهی می‌توان یافت؛ به‌ویژه آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام گنجینه‌ای برای این موضوع است. اما پیشینه پژوهشی مسئله مذکور با کلیدواژه جهاد تبیین از ابتکارات مقام معظم رهبری است. ایشان می‌فرمایند: «جهاد تبیین یک فریضه است. جهاد تبیین یک فریضه قطعی و یک فریضه

فوری است» (ر.ک: سخنرانی رهبری ۱۴۰۰/۱۱/۰۳، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹).^۱ پس از سخنرانی ایشان نوشته‌های عمومی توسط خطبا و دانشمندان منتشر شد اما درباره روش‌های جهاد تبیین و جایگاه آن در کتاب شریف نهج البلاغه کار پژوهشی انجام نشده است. این نوشتار بر آن است ابتدا جایگاه جهاد تبیین، و سپس روش‌های تحقق آن را در جامعه اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه سامان دهد. مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای صورت گرفت.

۱. جایگاه جهاد تبیین

خداوند متعال نخستین جهادگر تبیینی در قرآن کریم با تمام آیاتش توسط رسول الله ﷺ است. مهم‌ترین ابزار تبیین حقایق زبان انسان است. سخن گفتن و سخنوری یکی از نعمت‌های مهم و بارزش الهی است که در سوره الرحمن پس از ذکر خلقت انسان به آن اشاره می‌شود (خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ) (الرحمن، ۳، ۴). بیان و سخن گفتن عالی‌ترین کانال ارتباط انسان‌ها و نشر و پخش علوم و معارف الهی و بشری است و نقش بسیار ارزنده‌ای در پاسداری از مکتب و استقلال جامعه اسلامی دارد. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «أَنَّ الْمُؤْمِنَ يَجَاهِدُ بِسَيْفِهِ وَلِسَانِهِ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۲۰)؛ مسلمان مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می‌کند. جهاد با زبان در کنار جهاد با شمشیر مطرح شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَيْدِيكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِاللِّسَانِ» (ابن حبون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۴۹)؛ در راه خدا، با دستان توانا و با شمشیر جهاد کنید و اگر نمی‌توانید، پس با زبانتان جهاد نمایید. و در کلام ارزشمند دیگری فرمودند: «رُبَّ قَوْلٍ أَنْقَذَ مِنْ صَوْلٍ» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۴۵)؛ بسا سخن که از حمله کارگزر است. و امام باقر علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ عَلَيَّ عَدُوْنَا أَنْطَقَهُ اللَّهُ بِحُجَّتِهِ يَوْمَ مَوْفِقِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ عَرْوَجَلٍ» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۳۵)؛ کسی که ما را با زبان خود یاری کند خداوند در روز قیامت زبان او را گویا، و او را در

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49572>

رحمت خویش غرق می‌سازد. بسیاری از مردم از این نعمت باارزش الهی خوب استفاده نمی‌کنند و قدرت بیان و سخنوری خود را با تمرین و آموزش لازم به تکامل نمی‌رسانند و در نتیجه از جهاد با زبان محروم می‌مانند. گروهی خوب سخن می‌گویند اما سخنان خوب را کمتر مطرح می‌نمایند. این گروه باید بیشتر تحقیق و تتبع کنند که همراه با خوب سخن گفتن، مطالب مفید و ارزنده‌ای تحویل جامعه بدهند. برخی سخنان خوب را عرض می‌کنند اما خوب سخن نمی‌گویند؛ اینان نیز باید به تمرین و تلاش مداوم روی بیاورند که هم سخنان خوب را مطرح کنند و هم خوب سخن بگویند و این هر دو نعمت را در جهاد با زبان در اختیار داشته باشند. در دوران معاصر که رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی بیشترین کاربرد را دارند وظیفه جهادگران تبیینی سنگین‌تر و آشنایی آنان با ابزارهای روز دنیا ضرورت مضاعف دارد.

کلیدواژه جهاد در نهج البلاغه با صیغ متعدد مانند *جَهْدَةٌ* (حکمت ۱۰۸)، *اَجْهَدَ* (خطبه ۱۵۳، ۱۹۲)، *جَاهَدْتُ* (خطبه ۱۱۶، ۱۳۳)، *جَاهَدْتُ* (خطبه ۱۹۲)، *اَجْتَهَدْتُ* (نامه ۳۱)، *مِنْ وَاَجِبَ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ النَّصِيحَةَ بِمَنْلَعِ جُهْدِهِمْ* (خطبه ۲۱۶) به کار رفته است. تعبیر اخیر حضرت دالّ بر تلازم بین جهاد تبیین به روش خیرخواهی و رعایت حقوق خداوند است. به حکم وجدان، خیرخواهی زبانی از مصادیق مهم و نیز از روش‌های کاربردی برای تحقق خیرخواهی است و حضرت تأکید دارند به هر میزانی که برای خیرخواهی تلاش کنید به‌عنوان انجام تکلیف در برابر حق خداوند است.

۲. ارتباط جهاد تبیین با مرتبه جهاد عملی و قلبی

جهاد در یک تقسیم‌بندی به سه مرحله قلبی، زبانی و عملی تقسیم می‌شود. جهاد با دست (جهاد عملی) اعم از جهاد نظامی و تلاش و کوشش در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. طبق بیان حضرت در حکمت ۳۷۵ نهج البلاغه به نظر می‌رسد آن کسی که در جهاد عملی باز بماند در جهاد زبانی به طریق اولی موفق نخواهد شد. چون جهاد زبانی فرع بر جهاد عملی است. جهاد با زبان یکی از مصادیق جهاد عملی

است. وقتی در مقام عمل کسی ضعیف باشد در مقام تبیین حقیقت نیز موفق نخواهد شد. ممکن است گفته شود در جامعه عکس این تحلیل زیاد اتفاق می‌افتد؛ یعنی کسانی هستند که هیچ وقت از درون با رزمندگان همراهی نکردند ولی در گفتار خیلی فریاد می‌زنند! در پاسخ گفته می‌شود جهاد زبانی و شعار دادن منهای عمل کردن بی‌فایده است. معیار ارزشمندی جهاد زبانی (جهاد تبیین) تطابق گفتار با عمل است. اگر تبیین‌کنندگان حقایق در مقام عمل به غیر از گفتارشان انتخاب کنند چنین گویندگانی دارای ویژگی منافقان هستند. بنابراین جهاد زبانی شاخه‌ای از جهاد در راه خداست. منشأ جهاد عملی و زبانی قلب انسان است. اگر قلب و روح آمادگی لازم را نداشت زبان و بقیه اعضای بدن نیز تحرک جهادی نخواهد داشت. در نتیجه جای حقایق در درون آن فرد وارونه می‌شود. در نتیجه ملاک درستی و نادرستی و تشخیص حق از باطل دگرگون گشته و تبدیل به یک عنصر ستمگر خواهد شد. بنابراین جهاد و تلاش در راه خدا از قلب آغاز شده و در زبان جاری می‌شود و با دست و دیگر اعضای بدن تحقق می‌یابد. طبق بیان حضرت، جهادگری زبانی و جهاد تبیین موجب حفظ جایگاه حقیقت است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «أَوَّلَ مَا تُغْلَبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْجِهَادِ الْجِهَادُ بِأَيْدِيكُمْ، ثُمَّ بِاللِّسَانِ، ثُمَّ بِقُلُوبِكُمْ؛ فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ مَعْرُوفًا، وَلَمْ يُنْكِرْ مُنْكَرًا، قَلْبَ فُجِعِلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلُهُ، وَأَسْفَلُهُ أَعْلَاهُ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۲). اولین مرحله از جهاد که در آن بازمی‌مانید، جهاد با دست‌های شما، سپس در جهاد با زبان، و آن‌گاه در جهاد با قلب‌هایتان است؛ پس کسی که با قلب معروفی را نشناسد، و منکری را انکار نکند، قلبش واژگون گشته، بالای آن پایین، و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت.

۳. روش‌های جهاد تبیین

جهاد تبیین به‌عنوان وظیفه‌ای مهم برای مسلمانان، نیازمند روش‌های مؤثر و هدفمند برای مقابله با تحریف‌ها، شبهات و هجمه‌های فکری است. این روش‌ها باید بر اساس اصول اسلامی و با استفاده از ابزارهای متناسب با زمان پیاده‌سازی شوند. در ادامه، روش‌های

جهاد تبیین با تأکید بر آموزه‌های نهج البلاغه در شرایط معاصر بررسی می‌شود:

۳-۱. دشمن‌شناسی و شناساندن دشمن به مردم

دشمن‌شناسی مهم‌ترین روش جهاد تبیین است. سبک دشمنان دین اسلام و مسلمانان سیاه‌نمایی و تضعیف روحیه مؤمنان است؛ چنان‌که آل فرعون پیوسته پیگیر تضعیف مردم بود و قرآن کریم از این نقشه شوم دشمنان حقیقت پرده برداشته، می‌فرماید: «وَأورثنا القوم الذین کانوا یتضعفون» (اعراف، ۱۳۷). در آیه، فعل «یتضعفون» به صورت مجهول آورده شده و فاعل استضعاف مشخص نیست، اما بیان وراثت مستضعفان به جای فرعونیان دال بر این است که استضعاف از سوی آنان انجام گرفت. فعل مضارع «یتضعفون» به همراه «کانوا» بر استمرار دلالت می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۸۰). همچنین در آیه دیگری از استضعاف و به زبونی کشاندن بنی اسرائیل حکایت می‌کند: «إِنَّ فرعون علا فی الأرض وجعل أهلها شیعا یتضعف طائفة منهم یدّبح أبناءهم ویستحی نساءهم إنه کان من المفسدین» (قصص، ۴)؛ فرعون برتری جویی در زمین کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسران آنها را سر می‌برید و زنان آنها را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشت، او مسلماً از مفسدان بود. قدم اول در تبیین واقعیت‌های اجتماعی و ایجاد روحیه امید در مردم، شناختن دشمن است. بدون شناخت دشمن نمی‌توان شرّ دشمن را از جامعه اسلامی رفع و دفع کرد. امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه به بحث دشمن‌شناسی پرداخته است و از طریق شناساندن دشمن به جهاد تبیین عمل می‌کرد. حضرت در خطبه‌ها و نامه‌های گوناگون به ادعاهای و شبهات ناکثین پاسخ می‌داد و دستاویزهای معاویه را در چند نامه حساب شده، درهم می‌شکست و بهانه‌های خوارج را در سخنرانی‌های مکرّر، ریشه کن می‌ساخت. مجموعه افشاگری‌های امام علیه السلام، به مردم آگاهی و بصیرت می‌داد و عوامل نفوذی دشمن را منزوی و تبلیغات مسموم آنها را نابود می‌ساخت؛ مانند خطبه‌های ۳۰، ۳، ۴، ۷، ۳۵، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۹۷، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۴۸، ۱۶۲، ۲۱۷.

باید در کنار آموزش‌های رزمی، آگاهی‌های سیاسی و دشمن‌شناسی نیز به

ملّت داده شود و سران کفر، شرک و منافقان چندچهره را افشا کرد، تا فریب و نیرنگشان در مردم کارساز نباشد، مانند خطبه ۸، ۱۹، ۳۱، ۳۷، ۴۴، ۵۷، ۷۳، ۸۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۷۴، ۲۰۰، ۲۰۵ و ۲۱۹. امام در نامه به زیاد، به دروغین بودن ادّعی ابوسفیان اشاره و حق را برای او آشکار می‌کند: «وَقَدْ كَانَ مِنْ ابِي سُفْيَانَ فِي زَمَنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فَلْتَهُ مِنْ حَدِيثِ النَّفْسِ وَنَزْعَةٍ مِنْ نَزْعَاتِ الشَّيْطَانِ لَا يُبْتُ بِهَا نَسَبٌ وَلَا يُسْتَحَقُّ بِهَا ارْثٌ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۱۶)؛ در زمان عمر، ابوسفیان سخنی دور از اندیشه گفت که با تحریکات شیطان بود! با چنین ادّعاهایی نه نسب خویشاوندی ثابت می‌گردد و نه کسی استحقاق ارث پیدا می‌کند. پس از تحرّکات سیاسی احزاب منحرف، امام ماهیت دشمن را افشا می‌کرد و آنها را به مردم می‌شناساند. نسبت به ناکثین و اصحاب جمل، هوشیارانه فرمود: «أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حِرْبَهُ، وَاسْتَجَلَبَ جَلْبَهُ، لِيُعَوِدَ الْجَوْرُ إِلَى أَوْطَانِهِ، وَيَرْجِعَ الْبَاطِلُ إِلَى نِصَابِهِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۳)؛ آگاه باشید که همانا شیطان حزب و یارانش را بسیج کرده و سپاه خود را از هر سو فراهم آورده است تا بار دیگر ستم را به جای خود نشانند و باطل به جایگاه خویش پایدار شود.

حضرت آن‌گاه که مطلع گردید عوامل سیاسی و اغفال‌گر معاویه قصد تبلیغات مسموم در مراسم حج را دارند، به فرماندار مکه، قثم بن عباس، نوشت:

«أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّ عَيْنِي بِالْمَغْرِبِ كَتَبَ إِلَيَّ يَغْلِمُنِي أَنَّهُ وُجَّهٌ إِلَى الْمَوْسِمِ أَنَا مِنْ أَهْلِ الشَّامِ الْعُمَى الْقُلُوبِ الصُّمِّ الْأَسْمَاعِ الْكُمِّهِ الْأَبْصَارِ، الَّذِينَ يَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، صص ۴۰۶-۴۰۷؛ ثقفی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۴۸؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۵۴)؛ اما بعد (از حمد و ثنای الهی)، مأمور اطلاعاتی من در شام برایم نوشته و مرا آگاه ساخته که گروهی از مردم شام به موسم حج گسیل شده‌اند؛ گروهی کوردل، ناشنوا و نابینا! آنها کسانی هستند که حق را با باطل مشتبه می‌سازند.

نامه زمانی برای قثم بن العباس ارسال شد که بعضی از عوامل اطلاعاتی امام علیه السلام از مکه به آن حضرت خبر دادند که معاویه گروهی از اهل شام را برای پخش شایعات

دروغین و سمپاشی بر ضد امیرمؤمنان علی علیه السلام در ایام حج به مکه فرستاده است. او سه هزار نفر از لشکر خود را با تجهیزات لازم به صورت پنهانی به مکه فرستاده بود؛ شاید برای اینکه اگر فرصتی به دست آید دست به شورش بزنند و با طرفداران علی علیه السلام درگیر شوند و فضای حرم امن خدا را ناامن کنند. امام با نامه‌ای روشنگرانه جلوی فتنه معاویه ایستاد. حضرت همواره با معرفی جهات گوناگون دشمنی دشمنان اسلام به مبارزه با آنان شتافت (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۲۸).

البته همان‌طور که از پیروزی مقطعی و فرار تاکتیکی دشمن در جهاد نظامی نباید مغرور شد، و بلکه حملات کوبنده را تا نابودی دشمن یا تسلیم شدن آن ادامه داد، در جهاد تبیین نیز نباید مغرور یا غافل شد، بلکه باید به‌طور مستمر ادامه داد: «تَدْعَى الْخِيُولُ فِي نَوَاحِرِ أَرْضِهِمْ...» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۱۸۱؛ ر.ک: دشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵)؛ چنان حملات را ادامه دهید تا شمشیر اسب‌های شما زمین آنها را در هم کوبد. همه راه‌های فرار را روی آنان ببندید. تداوم و استمرار مراقبت در صحنه جهاد تبیین در مقابل حيله دشمنان ضرورت بیشتری دارد، زیرا میدان درگیری و ابزار آن در جنگ فرهنگی و هویتی افکار مردم است.

۲-۳. امر به معروف و نهی از منکر زبانی

امر به معروف و نهی از منکر یکی از روش‌های جهاد تبیین در جامعه اسلامی است. بعضی از مشکلات بدون امر به معروف و نهی از منکر حل‌نشده است. تعبیر شهید مطهری از امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از لزوم استفاده از هر وسیله مشروع برای پیشبرد اهداف اسلامی (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۷، ص ۲۸۱). رسول الله صلی الله علیه و آله که نامش در تورات و انجیل آمده، اولین وظیفه‌اش امر به معروف و نهی از منکر است (اعراف، ۱۵۷). از دیدگاه اسلام، هیچ عملی نمی‌تواند با دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر برابری کند و اُمت اسلامی تا زمانی بهترین امت‌ها است که به این دو واجب شرعی عمل کند (آل عمران، ۱۱۰).

در اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشبرد جهاد تبیین برای دین

اسلام همین بس که قرآن کریم آن دو را از مهم‌ترین آرمان‌های تشکیل دهندگان حکومت اسلامی معرفی کرده است (حج، ۴۱). نیز مؤمنان را یار و یاور یکدیگر می‌داند که همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (توبه، ۷۱).

حضرت علی علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر را از همه نیکی‌ها برتر شمرده است (سید رضی، ترجمه دشتی، حکمت ۳۷۴، ص ۵۱۵). حتی امر به معروف به‌عنوان یکی از روش‌های جهاد تبیین از جهاد نظامی برتر است؛ زیرا استمرار همه خوبی‌ها در گرو برپایی این دو فریضه بزرگ است. علاوه بر اینکه جهاد با شمشیر برای مبارزه با مفسد و موانع خارجی است، جامعه اسلامی وقتی می‌تواند در نبرد با دشمن خارجی به موفقیت برسد که موانع و مفسد داخلی را در پرتو امر به معروف و نهی از منکر ریشه کن کرده باشد.

امر به معروف و نهی از منکر، نقش ارزنده‌ای در اجرای احکام و حدود الهی دارد و پشتوانه محکمی برای تثبیت ارزش‌ها و ریشه‌کنی مفسد اجتماعی است. هرگاه در جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر به‌صورت دو ارزش فراموش شده در آمده، دیگر احکام الهی اسلام از قبیل نماز، روزه، زکات، حج نیز هر روز کم‌رنگ‌تر شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۶). پس امر به معروف یکی از روش‌های پرکاربرد جهاد تبیین است که دوام شریعت به آن بستگی دارد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۳).

امر به معروف و نهی از منکر روشی پویا برای اصلاح فرد و جامعه است که از گذشته از طرف انسان‌های خیرخواه مورد توجه بوده است؛ و برای اجرای این روش، نیازمند راهکارهای جدید هستیم (سید رضی، ترجمه دشتی، حکمت ۲۵۲، ص ۴۸۷). باید با تمام توان در احیای آن کوشید و راه‌های هموار و شیوه‌های پسندیده برگزید و در این باره به تذکرات مستقیم و سطحی بسنده ننمود، بلکه باید از شیوه‌های مختلف و متنوع تبلیغات روز سود جست؛ همان روشی که امام علی علیه السلام در مقابله با مشکلات عصر خود انجام داد؛ نخست باید زمینه‌ها و عوامل پیدایش منکرات را به دست آورد. پس از آن، اوضاع اجتماعی و روحیات افراد را در انجام وظایف و تکالیف دریافت؛ چرا که افراد در قبول امر و نهی مختلف هستند.

امر به معروف و نهی از منکر زبانی، جهاد بی‌مرز در راه خدا است (سید رضی، ترجمه

دستی، حکمت ۳۱، ص ۴۴۹)، بلکه بالاتر از آن؛ زیرا که جهاد با مال و جان و دفاع نظامی، از فروعات جهاد معنوی امر به معروف است. پیشوایان دینی ما، امر و نهی و سامان‌دهی مسائل جامعه و اصلاح امور اجتماعی را نوعی جهاد می‌خواندند و با آمران به معروف و ناهیان از منکر، به‌عنوان مجاهدان راه خدا برخورد می‌کردند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۳). جنگ‌های نظامی آخرین مرحله امر به معروف و نهی از منکر است؛ بسان عمل جراحی که آخرین مرحله مسیر طبابت است و نوعاً پس از مداوای معمولی و ابتدایی انجام می‌گیرد. پس امر به معروف و نهی از منکر جهاد تبیینی است که در افقی بالاتر از افق جهاد نظامی قرار دارد؛ چراکه آن، در میدان محدود و مرز معین صورت می‌گیرد، حال آن‌که امر و نهی، جهادی است که فراتر از مرزهای معنوی و به‌صورت نامحدود تحقق می‌یابد.

۳-۳. انتقادکردن

انتقاد کردن یکی از روش‌های جهاد تبیین است. انتقاد یکی از عوامل مؤثر در به‌سازی و رشد افراد جامعه است؛ و باید از انتقاد به‌عنوان نیروی محرکه پیشرفت استفاده کرد. انسان‌ها، غیر از معصومان، خواسته یا ناخواسته در اندیشه، عمل و سخن گفتن ممکن است دچار اشتباه شوند. گاهی این خطا و اشتباه از دید دیگران پنهان نمی‌ماند و آنان از روی خیرخواهی، آن را با فرد خطاکننده در میان می‌گذارند و از او می‌خواهند کاستی‌هایش را جبران کند و نقاط ضعف را به قوت تبدیل سازد. انسان‌های خردمند در چنین مواردی با روی باز به استقبال انتقادکننده می‌روند (زمر، ۱۷-۱۸).

توصیف انتقادپذیران به هدایت الهی و خردورزی، گویای آن است که دین و خرد بر ضرورت انتقادپذیری اتفاق دارند و آنان که پایبند به دین و طالب هدایت و کمال‌اند و از اندیشه سالم نیز برخوردارند، باید انتقادها را بشنوند و ناخالصی‌های فکری، اخلاقی و عملی خویش را جبران کنند و نه تنها از انتقاد نهراسند بلکه زمینه بروز آن را نیز فراهم سازند: «لَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ...»؛ با من به گونه‌ای سخن مگوئید که با جباران سخن می‌گویند، و انتقاداتی را که از افراد عصبانی پنهان می‌دارند، از من دریغ مدارید

(سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۳۳۵). این بیان مبارک گویای آن است که مدیران نظام اسلامی - در هر رده‌ای که هستند - نباید خود را از اشتباه مصون پندارند و راه انتقاد و پیشنهاد را بر دیگران ببندند، بلکه باید با اصرار از دیگران بخواهند که انتقاد کنند، پیشنهاد دهند و در اداره هر چه بهتر سازمان، یکدیگر را یاری رسانند. همچنین باید دانست که چنین روحیه‌ای در میان مدیران مؤمن و متدین، قوی‌تر است؛ به ویژه اگر همکاران، اهل دیانت و تقوا باشند. در چنین محیطی انتقاد کردن و انتقادپذیری دلپذیرتر است و انسان با اطمینان بیشتری به سخنان همکاران خود گوش می‌دهد.

نقد و انتقاد را از ابعاد گوناگون می‌توان مورد نظر قرار داد:

الف. از نظر کسی که به نقد می‌پردازد: هدف و انگیزه انتقادکننده باید دستیابی به بهترین‌ها باشد (زمر، ۱۷-۱۸). در قرآن کریم به کسانی بشارت داده شده است که حق و رشد، مطلوب و گمشده آنان است؛ از این جهت سخنان را بررسی می‌کنند و هیچ سخنی را بدون تدبیر و کنجکاوی و به صرف شنیدن و تحت تأثیر هوای نفس رد و انکار نمی‌کنند و چون به دنبال یافتن حق و رسیدن به رشد هستند هر سخنی را بررسی می‌کنند بدان امید که حقی در آن بیابند؛ از ترس آنکه مبادا چیزی از حق از دستشان برود (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۸۰).

ب. از نظر کسی که مورد نقد قرار می‌گیرد: نقد برای چنین کسی می‌تواند راهگشا باشد، و او را در تشخیص راه درست و یافتن نقاط انحراف یاری دهد. آنچه می‌تواند نقد و انتقاد را به مسیر صحیح هدایت کند، روحیه حق‌جویی و حق‌گرایی در نقدشونده و نقدکننده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

درباره من گمان نکنید که اگر حقی گفته شود بر من سنگین و دشوار خواهد بود، و گمان مبرید که می‌خواهم بزرگ داشته شوم، زیرا اگر برای کسی دشوار باشد که حق به او گفته یا عدل بر او عرضه شود، عمل به حق و عدل، برای او دشوارتر خواهد بود؛ پس از حق‌گویی و مشورت به عدل با من خودداری نکنید (سید رضی، ترجمه دشتی، خطبه ۲۱۶، ص ۳۱۵).

به نظر می‌رسد محور اول در بحث نقد و انتقاد که بررسی فردی نظریات است،

از آنجا که يك عمل شخصی است، از حریم روابط اجتماعی خارج می‌شود، و محور دوّم آن که در محدوده ارائه و دریافت نظریات است، بخشی از وظیفه جهاد تبیین را تشکیل می‌دهد. البته ممکن است گاهی بررسی يك نظریه یا نقد يك عمل، نه به‌عنوان يك بحث علمی برای یافتن حق، بلکه برای اصلاح دیگران صورت گیرد، که در این صورت مشمول جهاد تبیین برای دیگران خواهد بود.

۴. روش‌های تحقق جهاد تبیین بر اساس نهج البلاغه

نهج البلاغه مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی علیه السلام است که حاوی نکات عمیق معرفتی، اخلاقی و اجتماعی است. این اثر گران‌قدر در زمینه جهاد تبیین، سه ویژگی برجسته دارد:

- عمق فکری و فلسفی: امام علی علیه السلام مسائل را با استدلال‌های عقلانی و منطقی تبیین کرده و مخاطبان را به تعقل و تفکر دعوت می‌کنند.
- جامعیت موضوعی: امام به مسائل مختلفی همچون عدالت، اخلاق، سیاست، و دین پرداخته‌اند.
- سبک زبانی قوی و اقناع‌کننده: بیان امام پر از جذابیت و قدرت اقناع است که باعث درک عمیق مخاطب می‌شود.

۵. روش‌های جهاد تبیین در نهج البلاغه

۱. استدلال عقلانی و منطقی: یکی از شاخص‌ترین روش‌های امام علی علیه السلام استفاده از استدلال‌های عقلی است. امام همواره مردم را به اندیشیدن و استفاده از خرد دعوت می‌کردند. به‌عنوان مثال، ایشان در خطبه اول نهج البلاغه، با بیانی استوار، وجود خداوند را با استفاده از نشانه‌های خلقت توضیح می‌دهند.
۲. شفاف‌سازی و مقابله با تحریف‌ها: امام علی علیه السلام در دوران خلافت خود با جریان‌هایی مواجه بودند که حقایق را تحریف می‌کردند. ایشان با افشاگری و روشنگری، تلاش می‌کردند که جامعه را از گمراهی نجات دهند. به‌عنوان

نمونه، در ماجرای جنگ صفین، ایشان با روشنگری درباره فتنه معاویه، تلاش کردند حقیقت را برای مردم آشکار کنند.

۳. دعوت به تقوا و اخلاق اسلامی: امام علی علیه السلام جهاد تبیین را با تأکید بر اخلاق و تقوا همراه می‌کردند. در خطبه‌ها و نامه‌های ایشان، دعوت به اخلاق نیکو و پرهیز از رذایل اخلاقی، محور بسیاری از سخنان است. این نشان می‌دهد که جهاد تبیین باید همواره همراه با رعایت ارزش‌های اخلاقی باشد.

۴. استفاده از زبان ساده و قابل فهم برای مخاطب: امام علیه السلام در سخنان خود، زبان مخاطب را در نظر می‌گرفتند و تلاش می‌کردند حقایق را به زبانی ساده و قابل فهم بیان کنند. این روش، قدرت تأثیرگذاری سخنان ایشان را افزایش می‌داد.

۵. تشویق به آگاهی و بصیرت: امام علی علیه السلام همواره مردم را به آگاهی و بصیرت دعوت می‌کردند. ایشان در خطبه ۳۴ می‌فرمایند: «ای مردم! پیش از آنکه از شما بخواهند پیروی کنید، بینا شوید.» این تأکید نشان‌دهنده اهمیت بصیرت در جهاد تبیین است.

۶. استفاده از استدلال منطقی و عقلانی: امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه با بهره‌گیری از استدلال‌های منطقی و عقلانی، به مقابله با شبهات و انحرافات فکری می‌پرداختند. تأکید بر تفکر و تعقل، از اصول اساسی ایشان در روشنگری بود.

۷. دعوت به حق و عدالت: یکی از محورهای مهم در سخنان امام علی علیه السلام، دعوت به حق و عدالت اجتماعی است. ایشان با تأکید بر اهمیت عدالت، از آن به عنوان معیاری برای سنجش اعمال فردی و اجتماعی یاد می‌کنند.

۸. مقابله با انحرافات و تحریف‌ها: امام علی علیه السلام با شناسایی و برخورد قاطع با انحرافات فکری و اجتماعی، تلاش می‌کردند جامعه از مسیر صحیح منحرف نشود. این روش شامل تبیین حقایق و افشای باطل بود.

۹. تأکید بر اخلاق اسلامی: در نهج‌البلاغه، اخلاق اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای هدایت و روشنگری معرفی شده است. امام علی علیه السلام معتقد بودند که تبیین حقایق باید همراه با رعایت اخلاق و کرامت انسانی باشد.

راهکارهای عملی برای تحقق جهاد تبیین

❖ استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی

در دنیای امروز، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در انتقال پیام دارند. استفاده صحیح از این ابزارها می‌تواند زمینه‌ساز گسترش جهاد تبیین باشد.

❖ تقویت نقش نخبگان و علما

نخبگان و علما به‌عنوان رهبران فکری جامعه، نقش مؤثری در روشنگری و مقابله با انحرافات دارند. تأکید بر آگاهی‌بخشی و تربیت نسل‌های جوان از وظایف اساسی این قشر است.

❖ آموزش عمومی و ترویج فرهنگ تفکر

آموزش اصول دینی و تقویت فرهنگ تفکر و تعقل در میان مردم، از دیگر راهکارهای تحقق جهاد تبیین است.

❖ برگزاری جلسات و برنامه‌های روشنگری

ایجاد بسترهایی برای بحث و تبادل نظر درباره مسائل روز و پاسخ‌گویی به شبهات می‌تواند در تحقق اهداف جهاد تبیین مؤثر باشد.

۶. نمونه‌هایی از انتقادات و جهاد تبیین امام علی^ع

حضرت علی^ع در دوران حکومت خود با چالش‌ها و انحرافات متعددی در جامعه اسلامی روبه‌رو بودند. ایشان در نهج‌البلاغه با بیان‌های صریح و روشنگرانه به انتقاد از رفتارها و تفکرات نادرست پرداختند. این انتقادات در راستای جهاد تبیین، با هدف اصلاح جامعه، آگاهی‌بخشی به مردم و بازگرداندن آنها به مسیر حق صورت گرفت. امام از انتقاد به‌عنوان بهترین روش در برنامه نصیحت و خیرخواهی برای افراد گوناگون که شامل بعضی از کارگزاران خود، مخالفان و دشمنان می‌شود، استفاده نمودند.

❖ انتقاد از جهل و بی‌مسئولیتی مردم

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۳۴ نهج البلاغه از بی‌توجهی مردم به حقیقت و ناآگاهی آنها انتقاد کرده و می‌فرماید: «ای مردم! شما سپاهی هستید که فرماندهی ندارد، و دسته‌هایی هستید که پایه‌ای ندارید. در فتنه غوطه‌ورید و از حق دور شده‌اید. آیا دیده‌اید کسی را که بدون راهنما راه یابد؟» این انتقاد به رفتار کسانی است که بدون تعقل و بصیرت، مسیرهای اشتباه را انتخاب کرده و به شبهات دامن می‌زنند.

❖ انتقاد از ضعف و سستی در برابر انحرافات

در خطبه ۲۷، امام علی علیه السلام از سستی و بی‌تفاوتی مردم نسبت به انحرافات و ظلم انتقاد کرده و می‌فرماید: «شگفتا! به خدا سوگند این اتحاد آنها (دشمنان) بر باطل و پراکندگی شما بر حق، دل را می‌میراند و اندوه را تازه می‌کند. وای بر شما! شما هدف تیرهای بلا شده‌اید، شما را غارت می‌کنند و حرکت نمی‌کنید.» حضرت در اینجا از بی‌تفاوتی مردم نسبت به ظلم، و ضعف آنان در مقابله با دشمنان اسلام گلایه می‌کنند.

❖ انتقاد از دنیاپرستی و ترک ارزش‌های اسلامی

در نامه‌ای به مردم بصره (نامه ۴۵)، امام علی علیه السلام از دنیاپرستی و کنار گذاشتن ارزش‌های دینی توسط مردم انتقاد کرده و می‌فرماید: «شما گروهی هستید که دنیا شما را فریفته و زیبایی‌های آن شما را مغرور کرده است. دین شما ضعیف شده و دل‌های شما را فساد و گناه فراگرفته است.» این انتقاد به رفتار کسانی است که به جای پیروی از حق، به دنیا و مادیات دل بسته‌اند.

❖ انتقاد از پیمان‌شکنی و خیانت

در نامه به اشعث بن قیس (نامه ۵)، امام از خیانت در امانت و پیمان‌شکنی به شدت انتقاد کرده و می‌فرماید: «ای فرزند قیس! به خدا سوگند اگر می‌دانستم که

خیانت کرده‌ای، تو را به سخت‌ترین مجازات‌ها کیفر می‌دادم... خیانت به امانت خیانت به دین و خداست.» این انتقاد نشان‌دهنده اهمیت وفاداری و امانت‌داری در اسلام است.

❖ انتقاد از خواص بی‌تعهد و نخبگان بی‌بصیرت

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۳۸ از خواص و نخبگان جامعه که دچار بی‌بصیرتی شده‌اند، انتقاد کرده و می‌فرماید: «شما خواص امت بودید، اما به جای یاری کردن حق دچار سستی شدید و به دنیا رو آوردید. شما ستون‌های دین را شکستید و بر جایگاه خود ایستادید، در حالی که دشمن در حال پیشروی بود.» این انتقاد به کسانی است که به جای هدایت جامعه، خود دچار انحراف شده‌اند.

❖ انتقاد از قوم‌گرایی و تعصبات جاهلی

در خطبه ۱۹، حضرت علی علیه السلام قوم‌گرایی و تعصبات جاهلی را عامل بسیاری از انحرافات معرفی کرده و می‌فرماید: «شما به خاطر تعصبات جاهلی و قوم‌گرایی، حق را زیر پا می‌گذارید و باطل را یاری می‌کنید. این رفتارها شما را از اسلام دور کرده است.»

حضرت با این انتقاد، مردم را به دوری از تعصبات و پایبندی به عدالت و حقیقت دعوت می‌کنند.

❖ انتقاد از کسانی که فریب فتنه‌ها را می‌خورند

در خطبه ۱۵۱، امام علی علیه السلام کسانی را که به راحتی تحت تأثیر فتنه‌ها قرار می‌گیرند و حقیقت را رها می‌کنند، مورد انتقاد قرار داده و می‌فرماید: «هنگامی که فتنه‌ها آشکار می‌شوند، شما چون شترانی بی‌راهنما، سرگردان می‌شوید. نه راه را می‌شناسید و نه راهنما را اطاعت می‌کنید.» این سخن به کسانی اشاره دارد که به دلیل ضعف در بصیرت، به راحتی در فتنه‌ها گمراه می‌شوند.

❖ انتقاد از ترک امر به معروف و نهی از منکر

در خطبه ۱۹۲، امام علی علیه السلام از ترک وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به شدت انتقاد کرده و می‌فرمایند: «شما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده‌اید و به همین دلیل، خداوند شما را به دست بدترین‌ها گرفتار کرده است.» این انتقاد بر اهمیت این وظیفه اجتماعی تأکید دارد و ترک آن را عامل فساد و انحراف جامعه می‌داند.

انتقاد یکی از بهترین روش‌های جهاد تبیین است. به روش نقد و انتقاد از عملکرد دوست و دشمن می‌توان به تبیین مسائل جاری و نیز گذشته و آینده پرداخت.

نتیجه‌گیری

جهاد تبیین در قرآن و روایات اسلامی به‌ویژه نهج‌البلاغه جایگاه مهمی دارد؛ به طوری که هیچ‌وقت تعطیل نمی‌شود. تعابیر قرآنی و روایی دال بر امر به معروف و نهی از منکر به صراحت دلالت بر جهاد تبیین دارد. روش‌های جهاد تبیین باید با استفاده از آموزه‌های اسلامی، از جمله نهج‌البلاغه، طراحی شوند و با ابزارهای نوین و متناسب با نیازهای جامعه ارائه گردند. استدلال عقلانی، بصیرت‌افزایی، دعوت به عدالت و حق، و بهره‌گیری از رسانه‌ها، از جمله راهکارهای مهم در این مسیر هستند. اجرای این روش‌ها می‌تواند به تقویت هویت اسلامی و مقابله با انحرافات و شبهات کمک شایانی کند.

انتقادات حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، ابزاری برای آگاهی‌بخشی، اصلاح جامعه و هدایت مردم به مسیر صحیح است. این انتقادات که با استدلال، حکمت و بصیرت همراه است، نشان‌دهنده روشنگری و جهاد تبیین ایشان در مقابله با انحرافات و بی‌عدالتی‌هاست. درس گرفتن از این سخنان می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای جوامع اسلامی در همه زمان‌ها باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام (ج ۱). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶ق). مکاتیب الأئمه علیهم السلام (ج ۲، مصحح: مجتبی فرجی). قم:
دارالحديث.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم (مصحح: مصطفی
درایتی). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

تقفی، ابراهیم. (۱۴۱۰ق). الغارات (ج ۲، مصحح: عبدالزهراء حسینی). قم: دارالکتاب الاسلامی.
دشتی، محمد. (۱۳۸۸). اخلاق نظامی از دیدگاه نهج البلاغه. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی
امیرالمؤمنین علیه السلام.

سید رضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۶ش). نهج البلاغه (مترجم: دشتی). انتشارات نور المبین.
علامه طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان (ج ۱۷، مترجم: سید محمدباقر همدانی). قم:
دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی (ج ۵). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۲، ۹۷). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مجموعه آثار (ج ۱۷). قم: صدرا.

مفید، محمد. (۱۴۱۳ق). امالی (مصحح: حسین استادولی و علی اکبر غفاری). قم: کنگره شیخ مفید.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام (ج ۱۰). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن (ج ۱). قم: بوستان کتاب دفتر تبلیغات.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49572>

References

* The Holy Quran

- Ahmadi Miyani, A. (2005). *Makatib al-A'imma* (Vol. 2, M. Faraji, Ed.). Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Allameh Tabatabai, M. H. (1995). *Al-Mizan* (Vol. 17, S. M. B. Hamadani, Trans.). Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian]
- Dashti, M. (2009). *Akhlaq Nezami az Didgah Nahj al-Balagha*. Qom: Amir al-Mu'minin Research Institute. [In Persian]
- Hashemi Rafsanjani, A. (2004). *The Dictionary of Quran* (Vol. 1). Qom: Bustan-e Ketab, Islamic Propagation Office. [In Persian]
- Ibn Hayun, N. M. (1965). *Da'a'im al-Islam* (Vol. 1). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Khamenei, A. (n.d.). Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49572>
- Kulayni, M. b. Y. (1986). *Al-Kafi* (Vol. 5). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Arabic]
- Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar* (Vols. 2, 97). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (2007). *The Message of Amir al-Mu'minin* (Vol. 10). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Persian]
- Motahhari, M. (2005). *Majmu'eh Athar* (Vol. 17). Qom: Sadra. [In Persian]
- Mufid, M. (1992). *Amali* (H. Ostadi & A. A. Ghaffari, Eds.). Qom: Sheikh Mufid Congress. [In Arabic]
- Payandeh, A. (2003). *Nahj al-Fasaha*. Tehran: Donyaye Danesh. [In Persian]
- Sayyid Radi, M. b. H. (2007). *Nahj al-Balagha* (M. Dashti, Trans.). Noor al-Mobin Publications. [In Arabic]

Tamimi Amidi, A. (1987). *Tasnif Gurar al-Hikam wa Durar al-Kalim* (M. Derayati, Ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]

Thaqafi, I. (1990). *Al-Gharat* (Vol. 2, A. Husseini, Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]

۱۰۱

فقه و
سنت

جایگاه جهاد تبیین و روش های تحقق آن در جامعه اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه